

# زبان سُغدی

## و خاستگاه آن

در گفت و گو با: دکتر نظام‌الدین کامیاب

**اشاره:** پس از برگزاری نشست کتاب ماه ادبیات و فلسفه در معرفی کتاب زبان فارسی فرارودی، فرصتی پیش آمد تا با دکتر خواجه نظام‌الدین کامیاب، درباره زبان سغدی و خاستگاه آن به گفت و گو بنشینیم.

دکتر کامیاب، دانش‌آموخته فرهنگ و زبان‌های باستانی است و زمینه اصلی پژوهشی او زبان سغدی به ویژه، زبان‌نوشته‌های سغدی مسیحی بوده است. در این گفت و گو، دکتر کامیاب، به کوتاهی، سرفصل‌های اصلی پژوهش‌های قرن بیستم، درباره زبان سغدی را برای ما بازگفته‌اند. آنچه در پی می‌آید، حاصل گفت و گوی کوتاهی با دکتر کامیاب است:

**کتاب ماه ادبیات و فلسفه:** جناب آقای دکتر کامیاب، از این که دعوت ما را پذیرفتید سپاسگزاریم. هم‌چنان که در نشست معرفی کتاب زبان فارسی فرارودی (تاجیکی) حضور داشتید و آگاهی دارید، یکی از محورهای پژوهش حضرت استاد دکتر رواقی در این کتاب، آمیختگی واژگان سغدی با زبان فارسی در فرارود است. به نظر می‌رسد پژوهش‌های مربوط به زبان سغدی در حوزه مطالعات زبان‌های شرقی (آسیای میانه) جایگاه مهمی داشته باشد. از آنجا که این مطالعات غالباً بین طیف خاصی از پژوهشگران رد و بدل می‌شود و ممکن است طیف گسترده خوانندگان علاقه‌مند، آگاهی چندانی از آن نداشته باشند، لطفاً شمه‌ای از روند پژوهش‌های مربوط به زبان سغدی را بازگو کنید.

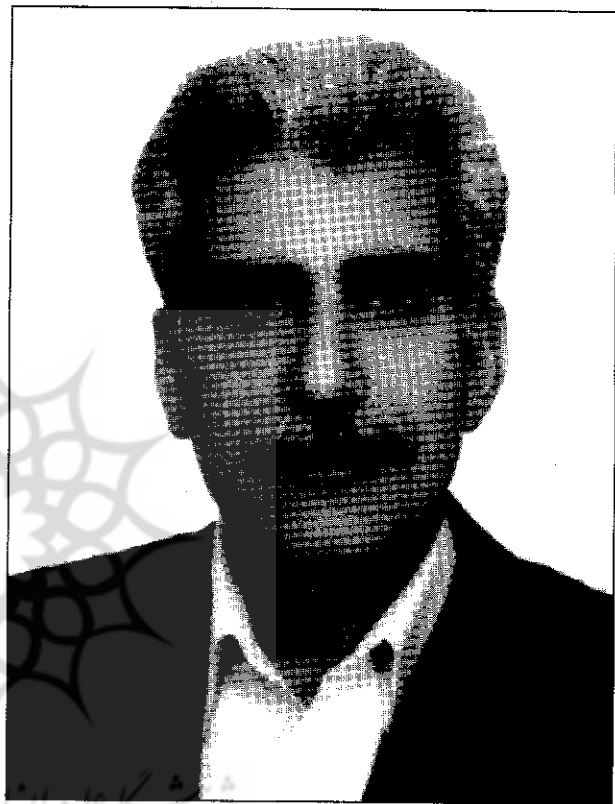
**دکتر کامیاب:** با یاد و نام پروردگار بزرگ. زبان سغدی، هم‌اکنون به عنوان زبانی خاموش شناخته می‌شود و جز اشاره‌های مختصری

که در برخی منابع کهن، به ویژه ایرانی، یونانی یا عربی بدان شده، آگاهی خاصی از آن، به دوره ما، راه نیافته است. رودکی شاعر نامبردار سمرقندی، در مقام ستایش دانش و دانایی، از مردمان بخردی سخن می‌گوید که در هر شرایطی، راز دانش را گردآوری می‌کردند:

مردمان بخرد اندر هر زمان  
راز دانش را به هر گونه زبان  
گرد کردند و گرامی داشتند  
تا به سنگ اندر همی بنگاشتند

در حقیقت آگاهی‌های کنونی ما از زبان سغدی، وامدار چنین مردمانی است. جالب است بدانیم که بخش قابل توجهی از متون سغدی، را در دل غاری جا دادند و با کشیدن دیوار نازکی آن را از غار اصلی جدا کردند تا بدین ترتیب، برای مدت ۹۰۰ سال به طرز حیرت‌انگیزی از دستبرد روزگار در امان بماند.

چنان که چکسون در یکی از گزارش‌های مفصل خود توضیح می‌دهد، بازشناسی و کشف زبان سغدی، تا حد زیادی مرهون گروه‌های اکتشافی اعزامی آلمان به آسیای مرکزی در سال ۱۹۰۴ است. آنها در میان دست‌نوشته‌های فراوانی که در منطقه ترکستان چین (تورفان) یافتند به چند سند ناشناخته برخوردند که اگر چه، با خط سریانی و مانوی هم‌خوانی نداشت؛ اما، برخی نشانه‌ها حاکی از آن بود که در چارچوب خانواده زبان‌های ایرانی می‌گنجد. این کشف سرآغاز پژوهش‌های گسترده بعدی درباره زبان سغدی به شمار می‌رود. بعدها، این سنگ‌نوشته‌ها به همراه متون دیگری که به تدریج بازبازی کردند، خوانده شد و با رمزگشایی از خط سغدی، این زبان از تاریکی به درآمد. پژوهشگرانی چون مولر (F.W.K. Muller)، استین (A. Stein)، و گوتیو (R. Gauthio) در این مطالعات پیشگام بودند و دانشمندانی چون بنونیست، هنینگ، ارانسکی، ویلیامز، و ... از ملیت‌های مختلف اروپایی، روسی و ژاپنی پژوهش‌های حاصله را به نظم خاصی آراسته و ادامه دادند. در ایران، آشنایی ما با این پژوهش‌ها بیش از هر کس، مرهون دکتر خانلری (برای تألیف کتاب تاریخ زبان فارسی)، استاد کریم کشاورز (به خاطر ترجمه مقدمه فقه‌اللغة ایرانی، پژوهش ارانسکی) و به ویژه، خانم دکتر قریب است. فرهنگ سغدی، پژوهش ارزشمند



نظام‌الدین کامیاب

خانم دکتر بدرالزمان قریب، در مقیاس جهانی، گام بلندی است در پژوهش‌های سغدی‌شناسی روزگار ما.

**کتاب ماه ادبیات و فلسفه:** به نکته‌های جالبی اشاره نمودید. پژوهش‌هایی که انجام گرفته و شما به برخی از آنها نیز اشاره کردید، چه آگاهی‌هایی از خاستگاه جغرافیایی و مردمانی که به این زبان سخن می‌گفتند، به ما می‌دهد؟

**دکتر کامیاب:** در متون اوستایی و کتیبه‌های هخامنشی که کهن‌ترین منابع تاریخی سغدی است، نام سغد هم برای اشاره به سرزمین و هم به معنای مردمی که در آنجا سکونت داشتند، به کار رفته است. هر چند بسیاری از منابع سغدی، در مناطق مختلف، از جمله ترکستان بازیابی شده، اما، در سنگ‌نوشته‌هایی که از داریوش بر جای مانده، نام سغد sug(u)da اغلب همراه با بلخ و خوارزم و هرات آمده است و به نظر می‌رسد مردمان این مناطق زبان یک‌دیگر را می‌فهمیدند. در منابع اوستایی نیز، سغد یا gava به معنای «سکونت‌گاه»، یا «سکونت‌گاه مطلق» آمده است. از منابع تاریخی، به ویژه اشاره روشن استرابین، چنین برمی‌آید که اصل سرزمین سغد، منطقه وسیعی بوده بین رود جیحون در جنوب و رود سیحون در شمال. همان‌طوری که نویسندگان یونانی اشاره کردند و کاوش‌های جدید باستان‌شناسان شوروی سابق، مانند کشف سکه‌های سغدی در کوه مغ و کاوش‌های دیگری در ناحیه سمرقند نیز آن را تأیید می‌کند، سغد در قرن هفتم میلادی، مرکز تمدنی مهمی بوده است. کیفیت و گستردگی واژگان و متون سغدی در زبان فارسی و حوزه وسیعی از شرق فلات ایران، نشان می‌دهد مردمان سغد، به سطح قابل توجهی از رشد فرهنگی دست یافته و در پرورش و تکامل اندیشه‌هایی که بعدها در قالب ادبیات فارسی بیان شده، سهم بسزایی داشته‌اند.

**کتاب ماه ادبیات و فلسفه:** از نظر تاریخی گستردگی و کشیده‌شدن مردمان سغد به نواحی شرقی و برآمدن دوباره آنها در سمرقند چگونه توضیح داده می‌شود؟

**دکتر کامیاب:** خوشبختانه در این خصوص پژوهش‌های زیادی صورت گرفته که در دسترس است و نکات برجسته آن را خانم دکتر قریب، در مقدمه فرهنگ سغدی نقل کرده‌اند. بر پایه این پژوهش‌ها، سغدیان در حدود هزاره دوم پیش از میلاد در نواحی

سمرقند و دره زرافشان به سر می‌بردند. آنها در هزاره اول، به بخش‌های وسیع‌تری از فرارود دست‌یافتند و با سکاها، بلخیان، مردمان خوارزم هم‌سایه شدند و در دوره هخامنشیان بخشی از حکومت شاهنشاهی ایران بودند. پس از فروپاشی امپراتوری هخامنشی، که با هجوم لشکریان اسکندر به شهر سمرقند همراه شد؛ بخش عمده‌ای از آنها به نواحی شرقی (مرزهای چین) کوچیدند. آن دسته از مردمان که به ناحیه شرقی نرفتند، بعد از آن که توانستند از فشار حکومت سلوکیان بیرون آیند؛ حکومت‌های محلی کوچکی برپا کردند که با همه نشیب و فرازها، تا دوره اسلامی به زندگی خود ادامه داد و بعد از فروپاشی امپراتوری ساسانی، که بخشی از قلمرو پادشاهی آن به شمار می‌رفت، جزو نخستین نواحی‌ای بود که به صورت یک حکومت یا دولت‌شهر مستقل سر برآورد و در شکل‌گیری فرهنگ و تمدن ایرانی اثرگذار بود. به طوری که خانم دکتر قریب، احتمال می‌دهند واژه «کشاورزی»، در اصل سغدی است و وام‌گیری این واژه از زبان سغدی بی‌گمان از رونق زندگی و کار در آن ناحیه و فرادستی آن نسبت به نواحی غربی خبر می‌دهد.

**کتاب ماه ادبیات و فلسفه:** با توجه به اهمیت منابع سغدی، لطفاً بگویید این منابع به چه زبان و خطی است، و بیشتر چه مضامینی در آنها دیده می‌شود؟

**دکتر کامیاب:** می‌دانیم که تاکنون هیچ اثری از دوره باستانی زبان سغدی به دست نیامده است. بخش زیادی از آثار به دست آمده، به دوره میانه برمی‌گردد که آن را بر اساس نوع خط و محتوا به سه دسته تقسیم کرده‌اند: سغدی بودایی، سغدی مانوی، و سغدی مسیحی. تاریخ نگارش آثار بودایی که در اصل ترجمه‌ای از زبان‌های چینی، تخیاری و سنسکریت است، به درستی شناخته نیست. اما خط آن سغدی و برگرفته از خط آرامی است. منابع سغدی مانوی بیشتر به خط مانوی است، خطی که مانی تعالیم خود را بدان خط می‌نوشت و دربرگیرنده بخش قابل ملاحظه‌ای از آموزه‌های دینی زردشتی است که آن را از زبان فارسی میانه و پارتی برگردانده‌اند و از همین رو، متأثر از واژگان فارسی میانه و پارتی است. منابع سغدی مسیحی هم، داستان‌هایی از آباء کلیسا و حکایت‌های قدیسان مسیحی است که آن را به زبان سغدی و

خط سریانی نوشته‌اند.

بر روی هم، به جز نامه‌های باستانی، سکه‌ها و اسناد کوه مغ، و بعضی مدارک دیگر، بیشتر منابع سغدی، متون دینی، به همراه اسطوره‌ها و داستان‌های قومی، و نوشته‌های اندکی دربارهٔ دانش ستاره‌شناسی و پزشکی است.

**کتاب ماه ادبیات و فلسفه:** به طور کلی چه ادیانی در قلمرو سرزمین سغد رواج داشت؟

**دکتر کامیاب:** کاوش‌های باستان‌شناسی و منابع بازیافته نشان می‌دهد که تا پیش از گسترش اسلام به سمت شرق، سغدیان به ادیان زردشتی، بودایی، مانوی و مسیحی گرایش داشته‌اند. با توجه به همزمانی نوشته‌های کشف شده، باید گفت جز در برخی دوره‌ها، همچنان که ویژگی هر تمدنی است، میان پیروان این ادیان همزیستی و مسالمت حاکم بوده است.

**کتاب ماه ادبیات و فلسفه:** آیا نمونه‌هایی از عدم تحمل و رواداری پیروان ادیان مختلف در منابع تاریخی به زبان سغدی ثبت شده است؟

**دکتر کامیاب:** قدیمی‌ترین ترجمه‌های متون مسیحی به سغدی، در سال‌های ۴۳۸-۴۵۷ میلادی، گزارش‌های چشمگیری از نفوذ مبلغان مسیحی ارائه می‌کند. در این متون به اسامی شهدای ایرانی مسیحی اشاره شده که در دورهٔ حکومت پادشاهان ساسانی کشته شده‌اند. متن دیگری دربارهٔ سیمون شهید است. روحانی برجستهٔ مسیحی که فرمان شاپور دوم، برای ستاندن مالیات از مسیحیان، به میزان دو برابر افراد عادی را دریافت می‌کند و از پذیرفتن آن خودداری می‌نماید.

باید توجه داشته باشیم که هر چند این منابع از کشته‌شدن شماری از مسیحیان در زمان ساسانی خبر می‌دهند، اما، بیشتر فشارهایی که بر مسیحیان وارد شده، در نواحی غربی ایران مانند تیسفون، سلوکیه و جندی‌شاپور بوده، نه در قلمرو سغد. به نظر می‌رسد با توجه به آزار و اذیت کارگزاران ساسانی علیه مسیحیان در غرب، مسیحیان ایرانی، نواحی شرقی را برای زندگی خود مناسب‌تر تشخیص دادند و به آن سو کوچیدند و بعد از دوره‌ای که نیاز به حفظ سرگذشت نیاکان خود را احساس کردند، آن رویدادها را به زبان سغدی ترجمه نمودند.

**کتاب ماه ادبیات و فلسفه:** بی‌تردید خاموشی زبان سغدی، با آن قلمرو جغرافیایی گسترده در فرارود، و سخن‌گویان زیادی که داشت، رخداد شگفت‌آوری است. گذشته از عوامل مؤثر بر تغییر زبان مردمان سغد، پی‌آمد فراموشی زبان سغدی، برای زبان فارسی چه بود؟

**دکتر کامیاب:** موضوع فراموشی زبان سغدی باید در متن تحولاتی بررسی شود که به سستی‌گرایی‌نیروی دینی (زردشتی، مانوی، و...) در قلمرو پادشاهی ساسانی انجامیده است. به دنبال همین تحولات بود که پس از حملهٔ اعراب، زمینهٔ ذهنی برای پذیرش اسلام فراهم گردید. در حقیقت، زبان سغدی از آن رو، به فراموشی سپرده شد که به طور عجیبی با نیروی دینی پیوند خورده بود و به محض ضعف و سستی نیروی سیاسی حمایت‌کننده از آن ادیان، به فراموشی سپرده شد. این مسئله دربارهٔ همهٔ شاخه‌های زبان ایرانی میانه صدق می‌کند. با این‌همه، باید گفت زبان سغدی به طور کامل از میان نرفته، و برخی از گویش‌های محلی در محدودهٔ سغد قدیم، مانند گویش یغناپی، اشکال تحول‌یافتهٔ آن به شمار می‌روند. همچنان که، بسیاری از واژگانی که در آن ناحیه کاربرد دارند، و از آن طریق به زبان فارسی ادبی راه یافته است؛ در اصل، سغدی‌اند.

اما پی‌آمد این رویداد برای زبان فارسی آن بود که نیروی فرهنگی قدرتمندی را در روند شکل‌گیری زبان فارسی آزاد نمود. بررسی‌سنجشی دکتر رواقی در کتاب *زبان فارسی فرارودی* نشان می‌دهد که چه تعداد از واژه‌های سغدی به زبان فارسی راه یافته است. توجه کنیم که این راه‌یافتگی، تنها یک وام‌گیری واژگانی نبود. بلکه در پس هر واژه‌ای، ساخت‌های آوایی، دلالت‌های معنایی، و قواعد واژگانی و نحوی نیز به زبان مقصد راه پیدا می‌کنند. از این نظر، می‌توان گفت پژوهش دکتر رواقی، پرتو تازه‌ای به شکل‌گیری زبان فارسی نوین افکنده است و بسیار جای خوشوقتی است که می‌بینیم جناب آقای دکتر رواقی، پژوهش استاد خانم قریب را الهام‌بخش خود در این کار سترگ دانسته‌اند.

**کتاب ماه ادبیات و فلسفه:** از توجه و شکیبایی شما سپاسگزارم.

**دکتر کامیاب:** خواهش می‌کنم.